

پزشکی که زندگی در ایران را به امکانات آمریکا ترجیح داد



شهره کیانوش راد

دبیر ویژه‌نامه

خانه رویایی، حقوق بالا، ریاست بخش کودکان و بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان دانشگاهی میامی، امکانات رفاهی و هر

آنچه در آمریکا داشت را رها کرد و بازگشت به ایران را بر ماندن در آمریکا ترجیح داد. رها کردن و گذشتن از آنچه در ۱۴ سال سکونت و تحصیل و کار در آمریکا به دست آورده بود، وقتی آسان شد که همسر و فرزندانش در این تصمیم بزرگ او را همراهی کردند.

اوایل انقلاب، ایران با کمترین امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی به ویژه در مناطق محروم مواجه بود.

دکتر مرندي و همسرش می دانستند که با برگشتن به ایران، مشابه با حتی نزدیک به آنچه در آمریکا داشتند را نخواهند داشت. دکتر مرندي با آگاهی و برای هدفی بزرگ، به ایران آمد.

او همزمان با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، به ایران آمد و با وجود همه مشکلاتی که سر راه این پزشک تحصیلکرده در آمریکا قرار گرفت، خدمت در حوزه سلامت و بهداشت را شروع کرد. او از مهم‌ترین چهره‌های مؤثر در ارتقای سلامت و بهداشت ایران است، جوایز متعددی از سازمان جهانی بهداشت دریافت کرده و به عنوان یکی از موفق‌ترین وزرای بهداشت و درمان کشور شناخته می‌شود. این چهره ماندگار، به اذعان افرادی که سال‌هاست با او رفاقت داشته‌اند، به رغم همه مشغله‌هایش، خصوصیات منحصر به فردی دارد.

خانواده برای او در جایگاه بالایی قرار دارد و معتقد است مهر و محبت میان زن و شوهر در تربیت فرزندان مؤثر است. در این شماره همشهری‌ماه با ابعاد دیگری از شخصیت دکتر مرندي در گفت‌وگو با همسر، دخترانش و دوستان نزدیک او آشنا می‌شویم. همسرش برایمان می‌گوید که چرا به آمریکا رفتند و چگونه وقتی انقلاب به پیروزی رسید، بدون معطلی به ایران برگشتند و دخترانش از سبک زندگی پدر و مادرشان می‌گویند که پرهیز از اسراف و پابندی به اصول اعتقادی و نظام برایشان در اولویت بوده است. آشنایی با سبک زندگی دکتر سیدعلیرضا مرندي، به‌ویژه می‌تواند الگویی برای جوانان و سرمشق کسانی باشد که عشق به آبادانی میهن‌شان دارند. خیلی از مادرها دکتر مرندي را با شعار تغذیه با شیر مادر می‌شناسند. او می‌گوید حتی زمانی که در آمریکا بوده، بر تغذیه با شیر مادر تأکید داشته است.

با این چهره پزشکی-سیاسی کشور این‌بار درباره زندگی خصوصی‌اش صحبت کرده‌ایم، زندگی شخصی یک پزشک اطفال که همیشه به عنوان یک شخصیت علمی معتقد به ارزش‌های مذهبی در کشور بوده است. وقتی صحبت از موضوع مصاحبه شد، وزیر بهداشت دهه ۶۰ و ۷۰ کسی که اکنون سر تیم پزشکی رهبری است، با روی گشاده پذیرایمان شد. صفحات این شماره همشهری‌ماه به این پزشک حاذق اختصاص دارد.

مهم‌ترین نگرانی‌مان تربیت بچه‌ها بود

همسر دکتر سید علیرضا مرندي از فراز و فرودهای زندگی مشترکشان می‌گوید

پریسائوری

۶دهه زندگی کنار مردی از جنس سیاست، وزیر بهداشت ۳ دولت، نماینده ادوار مجلس و رئیس فرهنگستان علوم پزشکی فراز و فرودهای بسیاری دارد که شنیدنش خالی از لطف نیست. معصومه طباطبایی وقتی ۱۶سال داشت زندگی مشترک خود را با دکتر علیرضا مرندي در روستای کنجدجان شروع کرد. او می‌گوید: «براز محبت کلامی یکی از ویژگی‌های بارز همسر در همه این سال‌ها بوده است.» با دکتر معصومه طباطبایی که دکترای زبان انگلیسی دارد، درباره ازدواج با دکتر مرندي و زندگی خانوادگی‌شان هم‌کلام شدیم.

چند سال آنجا بودید؟

۱۴ سال.

با توجه به اینکه شما و آقای مرندي از خانواده مذهبی بودید، نگران تربیت فرزندانانتان نبودید؟ چگونه با این موضوع کنار آمدید؟

من در آن سال‌ها خیلی اضطراب داشتم و مهم‌ترین نگرانی‌مان تربیت بچه‌ها بود. می‌دانستم بچه‌ها تا به سن بلوغ نرسیده‌اند تا حدود زیادی تحت تأثیر خانواده هستند، اما وقتی با به اجتماع بگذارند، بیشتر تحت تأثیر اجتماع و دوستان قرار خواهند گرفت؛ برای همین دلم می‌خواست تا کم‌سن و سال هستند به ایران برگردیم، اما شرایط طوری بود که نمی‌توانستیم برگردیم؛ چون ساواک افرادی را که زندانی سیاسی بودند تحت فشار قرار می‌داد؛ بنابراین تلاش کردیم خودمان مسائل دینی و فرهنگی را تا جایی که می‌توانستیم به بچه‌ها آموزش بدهیم؛ مثلاً هیچ‌وقت گوشت غیرذبح اسلامی نمی‌خوردیم؛ بنابراین بچه‌ها مثلاً از غذای مدرسه نمی‌خوردند. من حجاب داشتم و دختر بزرگم که در آمریکا به سن تکلیف رسید، حجاب داشت. چه زمانی به ایران برگشتید؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران برگشتیم. واقعا پیروزی انقلاب برای ما نجات‌بخش بود. برخی از دوستان ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای بازگشت به ایران تردید داشتند؛ چراکه در آمریکا از شرایط مالی خوبی برخوردار بودند و این ترس را داشتند که نتوانند در ایران با توجه به شرایط پس از انقلاب زندگی کنند، اما ما با وجود اینکه از نظر امکانات مالی و رفاه شرایط خوبی داشتیم بدون معطلی به ایران برگشتیم.

این تغییر محیط تأثیری بر اعتقادات

یا تربیت فرزندان نگذاشت؟

بچه‌ها به صورت عملی آموزش دیده بودند. به نظر من این پدر و مادرها هستند که می‌توانند بچه‌ها را آموزش بدهند. اعتقادات بچه‌ها مثل خود ما بود. پس از آمدن به ایران شرایط برای خارج رفتن آنها فراهم بود، اما هیچ‌کدام حاضر به رفتن نبودند؛ البته اینها همگی از الطاف الهی و تأثیر دعاست.

وقتی وارد ایران

شدید با توجه به فعالیت

سیاسی و اجتماعی آقای

دکتر احتمالاً زندگی شما

دستخوش تغییراتی

شد؟

بله کارهای دکتر به

قدری زیاد بود که ما

خیلی کم ایشان را

می‌دیدیم؛ به خصوص زمانی که ایشان وزیر بودند، بسیاری از مواقع ساعت ۴ و نیم صبح قبل از اذان از منزل خارج می‌شدند و اغلب نیمه‌شب به خانه می‌آمدند. اگر مهمانی دعوت می‌شدیم ایشان با خود روی رسمی و من و بچه‌ها با خود روی خودمان می‌رفتیم، اما به خاطر جمهوری اسلامی راضی بودیم و هستیم. حقیقتاً برای من و همه ما جمهوری اسلامی آنقدر عزیز بوده که همه سختی‌ها را به جان بخریم. من به ایشان می‌گفتم اگر به خاطر جمهوری اسلامی جانم را تقدیم کنی ما شکایتی نداریم. برای من کنار آمدن با این شرایط سخت نبود. زمانی که شما چیزی را دوست دارید دیگر تحمل سختی‌هایی که در این راه برای شما به وجود می‌آید، مطرح نیست. البته من شرمند می‌شوم وقتی می‌گویم به خاطر انقلاب و جمهوری اسلامی کمبود حضور همسر را پذیرفته بودم؛ چراکه گذشت و صبری که همسران جانبازان و شهدا داشته‌اند و دارند، بسیار قابل تقدیر است و اصلاً قابل مقایسه با گذشت ما نیست.

خانم طباطبایی مهم‌ترین ویژگی اخلاقی

آقای دکتر از نظر شما چیست؟

انصاف و انضباط. دکتر بسیار آدم منصف و منضبطی است و حتی در مقابل دشمنانش هم انصاف دارد.

معمولاً با چه عنوانی ایشان را خطاب

می‌کنید؟

«علیرضا» صدا می‌کنم. ایشان در منزل علیرضا هستند.

در زندگی مشترک اگر اشتباه‌کنند

عذرخواهی می‌کنند؟

بله. ایشان اصلاً عذرخواهی ابایی ندارند.



باسک این کیوارک متن کامل این مصاحبه را بخوانید

شرط اول برای تربیت فرزند

از نظر کیفی و ارائه مشاوره و راهنمایی برای بچه‌ها داشتند. خانم طباطبایی اضافه می‌کند: «وجود برخی رقابت‌های مادی ناسالم در جامعه باعث شده برخی از جوانان به ازدواج به عنوان یک فرصت برای رسیدن به امکانات مادی و طی کردن پله‌های ترقی فکر کنند. همین باعث می‌شود که در سختی‌ها کنار هم نباشند و هر کس به دنبال منافع خودش باشد. در حالی که زندگی مشترک زمانی زیبا و لذت‌بخش است که دو طرف آمادگی داشته باشند به خاطر یکدیگر از بعضی چیزها چشم‌پوشند و از خودگذشتگی داشته باشند.»

از نظر خانم طباطبایی پابندی پدر و مادر به اصول دینی و اخلاقی شرط لازم و کافی برای تربیت فرزندان است. او می‌گوید: «لازم نیست پدر و مادر همیشه برای تربیت بچه‌ها کار خیلی خاصی بکنند، بلکه باید خودشان را تربیت کنند تا بچه‌ها الگو بگیرند. دکتر هم برای تربیت بچه‌ها اول خودش را تربیت کرده بود؛ بچه‌ها عملی دیدند که مثلاً پدرشان هیچ‌وقت دروغ نمی‌گوید، به مال حلال پابند است، کم‌کاری نمی‌کند، برای فریض دینی اهمیت قائل است، توکل بالایی دارد؛ اینها همه برای بچه‌ها الگوی عملی بود و در تربیت آنها نقش داشت؛ در همان ساعات کوتاه در خانه، حضور مؤثری

